

ارزیابی تاثیرات مولفه های فضای شهری بر شکل گیری الگوهای رفتاری با تاکید بر جنسیتی شدن آن؛ نمونه موردی: منطقه ۲ تهران

مریم برومند - گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

شیرین طغیانی* - گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

حمید صابری - گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Evaluation the Impacts of Urban Elements on Formation of Behavioral Patterns by Emphasizing on Gendered Urban Spaces (Case Study: 2th Region of Tehran's Municipality)

Abstract

Urban spaces are representations of the citizens' life quality based on the environmental, cultural and social structures. One can come to a clear and general overview on this point by analyzing those structures as parts of the whole city or society. The study of urban spaces from this point of view has been neglected due to several reasons including the easiness of understanding the physical and environmental aspects compared to the meaning and performance of the urban spaces. In other words, the humanistic and phenomenological approaches have not been applied enough in studying the quality of urban spaces. The emphasis on the mentioned approaches has led to recognize the effectiveness of the environment on the human behaviors and activities. Such effectiveness is professionally studied in the field of environmental psychology. Accordingly, this article attempts to provide a theoretical-analytical investigation on the effectiveness of environment on the human behavior emphasizing on those behaviors that are the consequent of limiting the presence of some social groups—especially the women- in the urban spaces which in turn leads to a gendered urban spaces. From the methodological point of view, this study is a strategic-urban research with an applied method retrieved from the results of descriptive-inferential and library-based studies based on which our model is formed. The theoretical framework of this research is based on the ecological theory and Lang's Positive Concept theory.

Keywords: Gendered Space, Behavioral Sciences, Environmental Psychology, Gender in City, Urban Space.

چکیده

فضاهای شهری بازنمودی از کیفیت زندگی شهروندان برپایه ساختارهای محیطی، فرهنگی و اجتماعی به شمار رفته و با کاوش در آنها به عنوان جزئی از کلیت شهر یا جامعه می توان به دیدگاهی روشن و عمومی در این ارتباط دست یافت. به دلایلی چند از جمله سهولت درک کالبد و محیط در مقایسه با معنا و عملکرد فضای شهری، مطالعه فضاهای شهری عموماً با غفلت از مورد اخیر صورت پذیرفته و به بیان دیگر، رویکرد پدیدارشناسی و انسان گرایی کمتر در کیفیت فضاهای شهری به کار می روند. تاکید بر رویکردهای یاد شده، پذیرش تاثیرپذیری فعالیت و رفتارهای انسان از محیط را به دنبال داشته که به صورت تخصصی در دانش روان شناسی محیطی مورد توجه قرار دارد. این مقاله با هدف واکاوی نظری- تحلیلی تاثیرپذیری رفتار انسان از محیط (فضای شهری) با تاکید بر رفتارهایی که با تحدید حضور برخی گروه های اجتماعی به ویژه زنان به جنسیتی شدن فضای شهری منجر می گردند، با استفاده از نظریات مطرح در روان شناسی محیطی انجام شده است. روش انجام این پژوهش راهبردی- شهری با رویکرد کارکردی برگرفته از نتایج بررسی های توصیفی- استنتاجی و اسنادی- کتابخانه ای بوده که بر مبنای آن مدل سازی صورت گرفته است. پایه های نظری این پژوهش مبتنی بر نظریه اکولوژیکی (بوم شناسی) و نظریه محتوای- اثباتی لنگ، از میان نظریات مرتبط با ادراک در روان شناسی محیطی بر نظریه کنش گرایی احتمالی برونزویک، قابلیت های محیطی گیبسون و ویژگی های جلب کننده محیط بر لاین استوار است.

واژگان کلیدی: فضای جنسیتی، علوم رفتاری، روان شناسی محیطی، جنسیت در شهر، فضای شهری.

فضاهای شهری به مثابه یکی از بارزترین عرصه‌های تجلی هویت، فرهنگ و تمدن، بستری مناسب برای یافتن دیدگاهی نسبتاً جامع نسبت به کیفیت زندگی ساکنان هر جامعه به شمار می‌روند. در این فضاهاست که می‌توان چگونگی زندگی روزمره شهروندان با تأثیرپذیری هم‌زمان از بستر یا کالبد فضا و نیز کمیت و کیفیت رخدادهای اجتماعی را مشاهده کرده و همچنین عملکرد این فضاها را تجسم شهر توسط ساکنان‌اش با تأکید بر تصاویر ذهنی آنان مورد شناسایی قرار داد. در این میان ویژگی مهم فضاهای شهری یعنی دسترسی پذیری برای تمامی افراد جامعه فارغ از برچسب‌های جنسیتی، سنی و قومی یا تحقق مفهوم «شهر همه‌شمول» موضوعی بسیار قابل تأمل است. چرا که هرگونه ضعف در این ارتباط به صورت مستقیم در خدشه دار کردن کیفیت زندگی و در نهایت تصویر شهر دخالت خواهد داشت. شاید بتوان دو برچسب «جنس» و «جنسیت» را از مهمترین دلایلی دانست که منجر به محدودیت دسترسی و استفاده زنان از فضاهای شهری می‌گردند. مروری بر مفاهیم یاد شده و تأکید بر نقش قدرتمند مناسبات و رفتارهای اجتماعی در کنار توقعات عرفی جامعه از فرد و نه صرفاً تفاوت‌های جسمی و ذاتی دو جنس، بر جنسیت، موکد این مسأله است که «الگوهای رفتاری» در یک فضا به عنوان جزئی از کلیت شهر یا جامعه، می‌توانند بر جنسیتی کردن یک فضا و به بیان دیگر، شکل‌گیری «فضاهای متجسم» تأثیرگذار باشند. الگوهای رفتاری به صورت تخصصی در ارتباط با دانش «روان‌شناسی محیطی» قابل مطالعه هستند. روان‌شناسی محیطی یا اکولوژیکی به عنوان تخصصی میان رشته‌ای و با هدف مطالعه روان‌شناختی رفتار در ارتباط با محیط‌های کالبدی و به بیانی دیگر، ارتباط چگونگی رفتار مردم در بستر محیط شکل گرفت. روان‌شناسی محیطی «پارادایم شیفتی» از تأکید بر شخص به تأکید بر محیط

ایجاد کرده که منجر به تبیین نظریه «قرارگاه رفتاری» بر پایه الگوهای رفتاری می‌شود. تأکید بر موضوع جنسیت که خود همان گونه که بیان شد، متأثر از ویژگی‌های اجتماعی زنان و مردان است، به نوعی مستلزم به کارگیری چارچوب تحلیل جنسیتی در برنامه‌ریزی شهر است. چارچوب تحلیل جنسیتی به عنوان یکی از ابزارهای موثر برای درک نقش زنان و مردان در جامعه و عوامل خارجی که ممکن است برنامه‌ریزی را تحت تأثیر قرار دهند، مورد استفاده قرار گرفته و اساس آن مبتنی بر روابط انسانی است. روابطی که از یک سو وابسته به ویژگی‌های ظرف یا محیط (مکان یا فضای شهری) خود و از سوی دیگر، کنش گروه‌های مظروف (الگوهای رفتاری شهروندان) در آن می‌باشد.

۱- پیشینه پژوهش

فضاهای جنسیتی اگرچه تعبیری معاصر به شمار می‌رود، اما ریشه در تحقیقات علوم رفتاری و نظریه‌های طراحی محیطی دارد. در نتیجه چنین ارتباطی است که می‌توان پیشینه پژوهش‌های مرتبط با فضاهای جنسیتی را در میان پژوهش‌های مطالعات انسانی، رفتارشناسی و طراحی محیطی جستجو کرد. پیش از جنگ جهانی دوم اثر تحقیقات علوم رفتاری بر نظریه‌های طراحی محیطی سرانجامی نداشت. این عدم انسجام تا حدودی به دلیل عدم پیشرفت علوم رفتاری و تا حدودی به علت توجه بیشتر طراحان به انگاره‌های ارزشی بود. تنها در دوره‌هایی محدود، فلسفه خاصی در زمینه معماری، طراحی منظر و با طراحی شهری وجود داشته و در جهت توسعه نظریه‌های طراحی تلاش‌های جدی صورت گرفت. معروف‌ترین این تلاش‌ها در مدرسه معماری «اولم» آلمان با مدیریت «ماکس بیل» و متعاقب آن، «توماس مالدونادو» انجام شده است. تا سال ۱۹۷۰ میلادی در زمینه «مطالعات انسانی» و مطالعات فرآیند طراحی محیطی [در برنامه آموزشی دانشکده‌های معماری در ایالات متحده آمریکا کمبودی اساسی

جدول ۱. سیر تکاملی نظریات مبتنی بر مطالعات علوم رفتاری و محیطی

دوره زمانی	رویکرد، نظریه و پژوهشگر	خلاصه رویکرد، نظریه یا پژوهش
۱۹۱۶-۱۹۲۰	مکتب اکولوژی شهری (رابرت پارک)	۱. تعریف اکولوژی شهری به عنوان علم شناسایی روابط متقابل میان انسان و محیط و ۲. تأثیرپذیری رفتار به ویژه الگوهای رفتاری نامطلوب مانند جرم و خشونت از محیط
۱۹۴۰	نظریه سلامت روان (جان بولبی)	۱. بررسی مجموعه‌های شهری از دیدگاه پژوهش‌های آن بر رفتار انسانی؛ ۲. در رشد موزون شخصیت و جامعه‌پذیری، امری مهم‌تر از محیط‌های عاطفی وجود ندارد؛ ۳. ادغام رفتار انسانی در محیط شهری وابسته به نوعی محیط وجودی است.
۱۹۶۰	نظریه چشمان خیابان (جین جیکوبز)	۱. تأکید بر مساله وحشی‌گری‌های خیابانی و ترس از تعدی در محیط‌های شهری؛ ۲. تأکید بر وجود نظرات عمومی بر محیط‌های شهری؛ ۳. بنیان‌گذاری رویکرد کاهش جرم بر پایه طراحی محیطی
۱۹۷۰	موج دوم فمینیسم	۱. گسترش رویکرد انتقادی نسبت به نابرابری‌های جنسیتی و افزایش فعالیت‌های زنان؛ ۲. تأکید بر تأثیر محیط فیزیکی و اثر فضایی شهر در گسترش جرم و ترس از جرم؛ ۳. تأکید بر تفاوت تجربه شهر توسط زنان و مردان؛ ۴. نگرش دو سویه نسبت به شهر به عنوان ارتقا دهنده زندگی زنان و محدودکننده آن
۱۹۷۰-۸۰	ویلیام وایت	۱. بنیان‌گذاری رویکرد بدون پیش‌داوری بر پایه زمینه‌های انسان‌شناسانه، قوم‌نگاری علمی و مطالعات فرهنگی در مطالعات شهری؛ ۲. تأکید بر رویکرد از پایین به بالا در طراحی محیط با تأکید بر شیوه‌های استفاده مردم از محیط؛ ۳. توجه به تفاوت‌های جنسی در استفاده از فضاهای شهری
۱۹۸۰	یان گهل	۱. توجه به محیط به عنوان بسترساز فعالیت‌های انسانی؛ ۲. تلاش در راستای پیوند برنامه‌ریزی شهری و معماری با جامعه‌شناسی و روان‌شناسی
	گیل والتین	تأکید بر نقش تفاوت‌های اجتماعی بر تجربه ترس از جرم در زنان
۱۹۹۰	کاسکلا و پین	تأکید بر رابطه میان ساختار اجتماعی، هویت جنسی و مناسبات قدرت با ترس از جرم
	باندی و روز (۲۰۰۳)	۱. ریشه‌یابی ترس زنان از حضور در فضاهای مرد سالار و مرد ساز به سبب نادیده گرفتن نیازهای آنان در مطالعات شهری؛ ۲. تأکید بر تأثیرات فعالیت‌های جغرافیای فمینیستی در بازتعریف فضاهای شهری؛ ۳. تأکید بر بازتولید فضاهای شهری با توجه به جنبه‌های فرهنگی و رفتاری در راستای افزایش حضور زنان
		فین‌اشتاین و سرون (۲۰۰۵)
۲۰۰۰ تاکنون	جاگر و گلدن مایسر (۲۰۰۶)	۱. مرجع دانستن ابعاد اجتماعی بر ساختار کالبدی در زمینه کاهش بروز جرم، ۲. تأکید بر شهرهای دوستدار کودک در راستای تأمین شرایط حضور مادران (زنان)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۲۴۳

وجود داشت (Perin, ۱۹۷۰). از سال ۱۹۶۸ آن مدل تحلیلی تدوین شده است. بر این اساس هدف این پژوهش واکاوی فرآیند تأثیرگذاری مولفه‌های فضای شهری بر الگوهای رفتاری با تأکید بر شکل‌گیری فضاهای شهری جنسیتی است. بدین ترتیب پس از مروری بر مطالعات و پژوهش‌های مرتبط که بیانگر سیر تکاملی موضوع می‌باشد، مبانی نظری و دیدگاه‌های اندیشمندان گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و بر پایه آنها و نیز روابط متقابل کلیدواژه‌های پژوهش، مدل تحلیلی جهت ارزیابی فرضیه‌ها به ترتیب زیر تدوین و ارائه شده است:

۲- روش تحقیق

روش انجام این پژوهش راهبردی-شهری با رویکرد کارکردی برگرفته از نتایج بررسی‌های توصیفی-استنتاجی و اسنادی-کتابخانه‌ای بوده که بر مبنای

○ **فرضیه یک:** معنای فضای شهری بر شکل‌گیری الگوهای رفتاری موثر است.

○ **فرضیه دو:** عملکرد فضای شهری بر شکل‌گیری

الگوهای رفتاری موثر است.

○ فرضیه سه: شکل فضای شهری بر شکل گیری الگوهای رفتاری موثر است.

○ فرضیه چهار: الگوهای رفتاری ناشی از معنا، شکل و عملکرد فضای شهری بر جنسیتی کردن آن موثر است.

جهت بررسی فرضیه‌ها، گردآوری اطلاعات به کمک پرسشنامه مشتمل بر ۵۰ گویه در طیف لیکرت صورت پذیرفت. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ جمعیت منطقه ۲ شهر تهران برابر ۶۰۶۷۳۵ نفر اعلام شده است. همچنین جمعیت محلات عرفی سعادت آباد و مرزداران به عنوان محدوده‌های مطالعاتی در منطقه ۲ شهر تهران به ترتیب برابر ۵۲۹۱۰ و ۴۲۶۴۳ نفر برآورد شده است (مهندسین مشاور سراوند، ۱۳۸۵). به کمک فرمول کوکران و سطح خطای ۵ درصد حجم نمونه‌های آماری برای محدوده‌های آماری هریک معادل ۳۸۰ نفر و در مجموع ۷۶۰ نفر می‌باشد. ارزیابی صحت و دقت فرضیه‌های یاد شده به کمک مدل معادلات ساختاری (SEM) به طور مشخص روش کمترین مربعات جزئی (PLS) در نرم‌افزار Smart PLS صورت گرفته و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی نیز در نرم‌افزار SPSS ارزیابی شده‌اند.

۳- مبانی نظری

با تاکید بر آنکه فضا به واسطه معنا یافتن آن و به بیان دیگر، ادراک معنادار آن به مکان تبدیل می‌شود و قائل شدن دو سطح ضمنی و عینی در فرآیند یاد شده، معنای مکان برآمده از تاثیرپذیری ساختارهای ذهنی مشاهده‌گر، تجارب و احساسات وی (Lynch, ۱۹۸۴; Altman & Low, ۱۹۹۲; Manzo, ۲۰۰۵) از عناصر هویت بخش فضا (Gieryn, ۲۰۰۰) ناشی از عناصر کالبدی اعم از طبیعی و انسان ساخت (Relph, ۱۹۷۶; Altman & Low, ۱۹۹۲; Agnew, ۱۹۸۷; Gieryn, ۲۰۰۰; Van der Klis & Karston, ۲۰۰۹)، عناصر عملکردی شامل فعالیت‌ها و کاربری‌ها (Gieryn,

۲۰۰۰; Van der Klis & Karston, ۲۰۰۹) و نیز عناصر اجتماعی مانند تعاملات انسانی، نشانه‌های فرهنگی و رفتارهای کلامی و غیرکلامی (Manzo, ۲۰۰۵; Rapoport, ۱۹۹۰; Altman & Low, ۱۹۹۲; Agnew, ۱۹۸۷; Gustafson, ۲۰۱۰; Van der Klis & Karston, ۲۰۰۹) در نتیجه تعامل سه‌گانه میان شخص، دیگران و محیط (Gustafson, ۲۰۰۱) و به واسطه ادراک فردی (Canter, ۱۹۷۷; Manzo, ۲۰۰۵) تعریف می‌شود. عملکرد فضای شهری، ناشی از ابعاد طراحانه (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸) و اجتماعی (Jacobs, ۱۹۶۰; Gehl, ۱۹۸۷) و ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۷) آن، بیانگر قابلیت‌های آن فضا در ایجاد فعالیت‌ها (Gehl, ۱۹۸۷)؛ ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۷) و (Loulaitou- Sideris & Banerjee, ۲۰۰۶) و حالات رفتاری معین (پاکزاد، ۱۳۸۹) اعم از فردی و گروهی جهت تامین نیازها و خواسته‌های انسان (Carr et. al, ۱۹۹۲; کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸) و (پاکزاد، ۱۳۸۹) بوده که بر پایه مشاهدات اولیه از چگونگی فعالیت‌ها و استفاده مردم از فضا (Bacon, ۱۹۷۴; Jacobs, ۱۹۶۰; Gehl, ۱۹۸۷; Whyte, ۱۹۸۰; Copper Marcus & Sarkissian, ۱۹۸۰; PPS, ۲۰۰۱) و کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸) قابل شناسایی می‌باشد.

اگرچه در فارسی واژه شکل در هر دو مفهوم Form و Shape به کار می‌رود، آنچه که در این پژوهش از مفهوم شکل شهر یا فضای شهری موردنظر است، معادل فارسی Form خواهد بود. مفهوم شکل در این پژوهش منطبق بر سطح اول و سوم از معناشناسی کیویچ از این واژه و بیانگر ساختار، آرایش و نظم متشکله هر اثر (Bramley, ۲۰۰۵; Cowan, ۲۰۰۸)، امری صوری و عینی، نمود خارجی شیء و مرز مشخص کننده آن (Arnheim, ۱۹۸۶) به نقل از حبیب، ۱۳۸۷؛ (Bramley, ۲۰۰۵; Cowan, ۲۰۰۸) می‌باشد. با تاکید بر سطح اول، شکل فضای شهری انتظامی است که کلیت این

هدفی خاص (رضوان، ۱۳۷۵) تعریف شده که متاثر از انگیزه‌های فردی و گروهی، قابلیت‌های محیطی، ادراک فردی، تصویر ذهنی و معنای برساخته از محیط (Lang, ۱۹۸۷, Trieb; ۱۹۷۴) و پاکزاد و بزرگ، (۱۳۹۱) به عنوان واکنشی در جهت تعامل با محیط و هماهنگی با آن (Trieb, ۱۹۷۴؛ آلمن، ۱۳۹۰؛ رضوان، ۱۳۷۵ و پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱) دانسته می‌شود. در ارتباط با نیازهای تأثیرگذار بر شکل‌گیری الگوهای رفتاری، «سلسله‌مراتب نیازهای انسانی مازلو» مورد تأکید است.

دیدگاه مورد نظر این پژوهش در ارزیابی الگوهای رفتاری از میان سه نظریه اصلی کنش متقابل، نظریه گشتالت و نظریه اکولوژیکی بر مورد اخیر منطبق می‌باشد. همچنین رویکرد پدیدارشناسی (انسان‌گرایی) بر رویکردهای زیست‌شناختی، رفتاری، شناختی و روان‌کاوی اولویت دارد. بر مبنای هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی نقش مولفه‌های شهری بر شکل‌گیری الگوهای رفتاری با تأکید بر جنسیتی شدن فضا، این موضوع مورد پذیرش قرار دارد که رفتارشناسی انسان می‌باید با توجه به محیط پیرامونی وی اعم از کالبدی و اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد؛ چرا که رفتار انسان از محیط وی متأثر شده و خود بر شکل‌گیری معنای محیط دخالت دارد. بنابراین در کنار رویکرد پدیدارشناسانه به مساله از دانش روان‌شناسی محیطی نیز بهره‌گیری خواهد شد. با توجه به تأثیرپذیری رفتارهای انسانی از ادراک فردی، از میان نظریات مرتبط با ادراک در روان‌شناسی محیطی، نظریه کنش‌گرایی احتمالی (الگوی عدسی) اگون برونزویک، نظریه قابلیت‌های محیطی «جیمز گیبسون» و نظریه ویژگی‌های جلب‌کننده «ایزا برلین» مورد تأکید قرار دارد. همچنین پذیرفته می‌شود که محیط بنابر نظریه بارکر به مانند یک قرارگاه رفتاری عمل کرده که بر مبنای آن میان جنبه‌های کالبدی و الگوهای رفتاری رابطه ویژه‌ای برقرار بوده که بر رفتارهای نسبتاً مشابه در

یک فضا را تعریف کرده و بدین ترتیب در بردارنده عناصر پیرامونی (حبیب، ۱۳۸۵) و محتوایی (Maller, ۱۹۹۸; Trieb, ۱۹۷۴ به نقل از پاکزاد، ۱۳۸۹) است. با تأکید بر سطح سوم، شکل فضای شهری متاثر از عناصر پیرامونی، بیانگر محدوده معرف فضای شهری می‌باشد. بدین ترتیب عناصر پیرامونی مبین مرز خارجی فضای شهری، توسط سه مولفه لبه (بدنه)، کف و سقف قابل شناسایی هستند. از آنجا که مفهوم اخیر ارتباط کمتری با الگوهای رفتاری می‌یابد، بدین ترتیب، شکل فضای شهری به عنوان یک ظرف در تناظر محسوسی با مفهوم لبه و کف در آن قرار می‌گیرد. لبه به عنوان حامل فضای زمینه (منصوری، ۱۳۸۷) و محدودکننده فضا (گهل، ۱۳۹۲؛ پاکزاد، ۱۳۸۹؛ Salingeros, ۱۹۹۹؛ Sennett, ۲۰۰۶)، بر معنا و هویت محیط (یاراحمدی، ۱۳۸۹) و رخداد فعالیت‌های اجتماعی (منصوری، ۱۳۸۷ و Greaney, ۲۰۱۶: ۶) موثر بوده و کیفیت کاربری‌های آن (Bramley, ۲۰۰۵; Clifton; et. al, ۲۰۰۸; Conzen cited in Carmona et. al, ۲۰۰۳ و Trieb, ۱۹۷۴ به نقل از پاکزاد، ۱۳۸۹) در کنار ویژگی‌های طراحانه (Trieb, ۱۹۷۴ به نقل از پاکزاد، ۱۳۸۹) در تجربه کیفیات فضایی (Gehl, et al, ۲۰۰۶) کاربران فضا دخالت دارد. منظور از عناصر محتوایی نیز پوشش گیاهی (حبیب، ۱۳۸۵)، مبلمان و ویژگی‌های کالبدی و طراحانه فضا (لینچ، ۱۳۹۱؛ حبیب، ۱۳۸۵؛ Clifton et al, ۲۰۰۸: ۱۸; Cuthbert & Anderson, ۲۰۰۲: ۲۱۳) می‌باشد. رویکرد مورد نظر این پژوهش از میان رویکردهای شناختی-هنجاری و برون‌نگر-درون‌نگر، متمرکز بر رویکرد اخیر بوده که بر مبنای آن شکل فضای شهری متاثر از متغیرهای سیاسی، انسان‌شناسانه، تاریخی، جغرافیایی و ادراکی فرض گردیده و هم‌زمان برای فهم منطق درونی بافت فضای شهری تلاش می‌گردد.

رفتار، چگونگی انجام یک فعالیت (Lang, ۱۹۸۷ و پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱) در راستای تأمین نیاز یا

زمان‌های مختلف توسط افراد گوناگون دلالت دارد. در حقیقت با تاکید بر نظریه محتوای- اثباتی «لنگ» مبتنی بر لزوم شناسایی قابلیت‌های محیطی موثر بر رفتار، در صورت شناسایی عوامل محیطی موثر بر رفتار می‌توان قابلیت‌های محیط را جهت رخداد یا ممانعت از شکل‌گیری الگوهای رفتاری معین مورد برنامه‌ریزی و طراحی قرار داد.

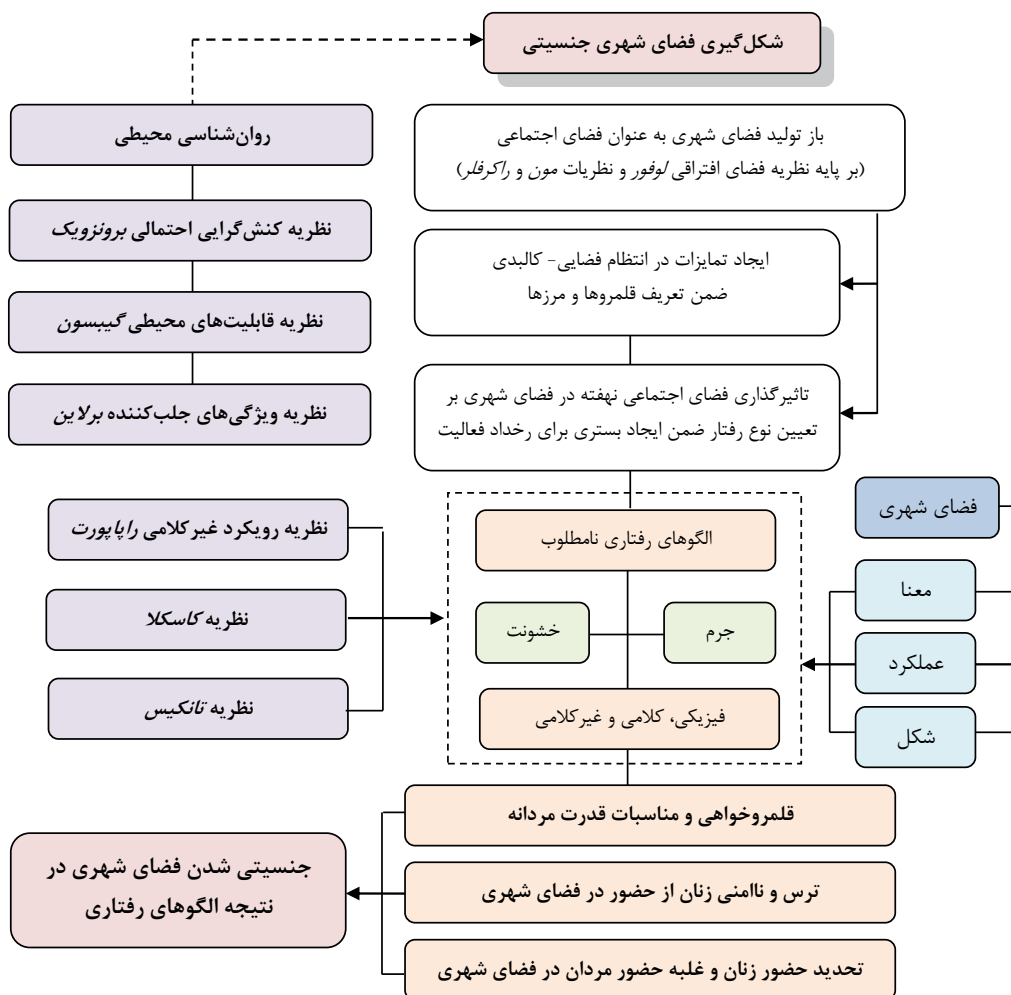
بنا به تعبیر «لوفور» فضا یک لوح سفید نبوده و توسط افراد جامعه تولید می‌شود. در حقیقت افراد بنا بر ادراکات، نیازها و انگیزه‌های خود فضا را به شیوه مطلوب‌شان مورد استفاده قرار داده و به آن شکل می‌دهند. بدین ترتیب ممکن است عملکردهای مورد انتظار و طراحی شده فضا را تغییر داده و معانی تازه‌ای را به فضا ببخشند. با توجه به تعریف مورد نظر از رفتار به عنوان خروجی فرآیندی که طی آن نیازها و انگیزه‌های انسان از حالت بالقوه به فعلیت می‌رسند، تولید فضای اجتماعی با عملکردهای ویژه و مطلوب استفاده‌کنندگان از فضا تولید یا بازتولید می‌گردد. این فضای اجتماعی خود از یک سو در بردارنده مناسبات و اشکالی است که امکان کنش میان انسان‌ها در بستری کالبدی را ممکن می‌سازد و از سوی دیگر، با تعریف مرزها و قلمروها به شکل‌گیری تمایزاتی در انتظام فضایی- اجتماعی منجر گردد. بر این اساس و با پذیرش نظریه فضای افتراقی «لوفور» و نظریات «مون» و «راکرفلر»، این پژوهش در رویکردی دو سویه می‌پذیرد که فضای اجتماعی نه تنها بستری برای رخداد فعالیت‌ها محسوب می‌گردد، بلکه در تعیین نوع فعالیت هم دخالت دارد. تقسیمات فضایی و نمادین حاصل از فرآیند یاد شده می‌توانند حضور برخی گروه‌های اجتماعی چون زنان را تشویق یا تحدید نمایند. به تعبیر تانکیس معنا، کارکرد [عملکرد] و شکل مادی فضاهای شهری ضمن آنکه در عمل به سختی قابل تفکیک هستند، بر شکل‌گیری جغرافیای جنسیتی شهرها موثرند. با تاکید بر رویکرد غیرکلامی «راپپورت» در تعریف معنای محیط ساخته شده

باید اشاره نمود که محیط تعبیرها، نشانه‌ها و کدهایی را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار داده که لزوماً به شیوه‌ای برابر درک نمی‌شوند. به زعم وی کدهای محیطی صرفاً برای افرادی قابل کشف و رمزگشایی است که فرهنگ آن جامعه را آموخته باشند. در این صورت فرهنگ به شیوه‌ای غیرمستقیم بر معنای محیط تاثیر گذارده و پس از کدگشایی است که افراد رفتار خود را در تطابق با انگاره‌های فرهنگی صورت می‌دهند.

ضمن آنکه بر مبنای پژوهش‌های متعدد مشخص گردیده که کدگشایی از معانی و ارتباطات غیرکلامی محیط به شیوه‌ای متفاوت میان زنان و مردان انجام می‌شود، باید اشاره داشت که توانایی‌های ادراکی زنان در این امر بالاتر است. آنها می‌توانند با مشاهده رفتارهای غیرکلامی به سرعت به استنباط رسیده و به تفسیر سریع و شهود از درونیات افراد دست یابند. این توانایی امکان آن را به زنان می‌دهد که در زمانی کوتاه خطر را حس کرده و پیش از رخداد رفتار فیزیکی نامطلوب خود را از آن برهانند. قابل توجه آن است که در بسیاری موارد زنان حقیقتاً از رخداد رفتار فیزیکی واهمه نداشته بلکه مسائل عرفی و فرهنگی و ترس از برچسب‌های ناهنجار اجتماعی است که آنها را به واکنش و می‌دارد. به تعبیر «کاسکلا» اقدامات احتیاطی زنان به واسطه ترس از جنایت صرفاً ناشی از جرم نبوده بلکه نشانه‌ای از مناسبات قدرتی است که مردان به واسطه اتخاذ شیوه‌ای مسلط بر آنان و تصاحب فضاهای اجتماعی ایجاد کرده اند. نتیجه آن است که به تعبیر «تانکیس»، ترس از خشونت مردانه در زنان در قالب ترس از فضای مردانه نمود می‌یابد. با توجه به ویژگی‌های جسمی و روانی زنان در مقایسه با مردان، قلمروخواهی و میل به تصاحب فضا از سوی مردان، زنان را به عقب نشینی و داشته و این چنین است که فضا به واسطه کمرنگ شدن حضور زنان و غلبه مردان در اصطلاح جنسیتی می‌شود. ترس زنان از خشونت فیزیکی، کلامی و غیرکلامی مردان

جدول ۲. سطوح جنسیتی شدن فضای شهری

سطح	توسط	شیوه	تاثیرگذاری بر
پیش از خلق فضا (مرحله تولید)	مدیران شهری، برنامه- ریزان شهری، طراحان و معماران	سیاست‌گذاری، مدیریت، برنامه‌ریزی، طراحی و اقدامات عامرانه مربوط به معماری	شکل و عملکرد فضا
پس از خلق فضا (مرحله باز تولید)	استفاده‌کنندگان از فضا	فعالیت و رفتار اعم از رفتارهای فیزیکی، کلامی و غیر کلامی	عملکرد، معنا و بازنمایی فضا نیز الگوهای رفتاری با تاکید بر خشونت و جرم



نمودار ۱. مدل تحلیلی فرآیند جنسیتی شدن فضای شهری با تاکید بر الگوهای رفتاری

به ویژه در شرایط کالبدی و زمانی که رفتار جنس مخالف به بی‌نظمی گرایش یابد، افزایش می‌یابد. این بی‌نظمی به شکل خشونت و جرم علیه زنان نمود یافته که مورد نخست همچون معنای فضای شهری در دو سطح صریح و ضمنی بروز می‌یابد. سطح ضمنی با توجه به سرعت و توانایی زنان در درک و استنباط هدف رفتاری مردان تعریف شده و کاملاً قابل درک خواهد بود که چطور نوع خاصی از رفتارها در عین آنکه صریحاً شکل نگرفته و حتی در صورت شکل‌گیری به جرم منجر نگردیده‌اند، چگونه می‌توانند زنان را به عقب‌گرد و احتیاط وادار ساخته در شرایطی که از دید سایر مردان دلیلی برای عدم حضور زنان در فضای شهری وجود ندارد. در حقیقت این امر نشان می‌دهد که تا چه حد لازم است برنامه‌ریزی شهری از حیثه مردانه خارج شده و شناسایی مطلوبیت فضاهای شهری لزوماً با مشارکت زنان تعیین گردد. فضاها هم از طریق اعمال اجتماعی و هم همبستگی‌های نمادین، جنسی [جنسیتی] می‌شوند. اگرچه به سختی می‌توان این دو را از هم جدا کرد: راه‌های عملی که مردم به واسطه اختلاط معانی و تصورات، به عمل جنس در فضا می‌پردازند، آگاهانه یا ناآگاهانه میل به بیش‌نویسی پیدا کرده است. راه‌هایی که بدن‌ها در پیش‌گرفته و تولید رمزهای اجتماعی بدین ترتیب، می‌تواند فضاهای معینی را جنسی کند (تانکیس، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱). به تعبیر رندل فضا به این روش‌ها جنسیتی می‌شود (Rendell, 2006: 136):

- از طریق اقدامات عامرانه مربوط به طراحی معماری بر طبق جنسیت طراح.
 - از طریق نحوه استفاده از فضا.
 - از طریق عملکرد فضا.
 - از طریق نمایش عملکرد فضا (بازنمایی فضایی).
- منظور از بازنمایی فضایی همان ایدئولوژی‌هایی است که به صورت عملکرد فضا در فضای شهری نمایش داده شده و ریشه در فضای ذهنی اندیشمندان،

برنامه‌ریزان و شهرسازان و نیز فضای عمومی جامعه دارد (عرشی‌ها و مدیری، ۱۳۹۰: ۱۲۴). به تعبیر لوفور فضا همان گونه که به طور مادی تولید می‌شود، به صورت مفهومی نیز ایجاد می‌گردد. جدول شماره ۲ بیانگر سطوح جنسیتی شدن فضا با تأکید بر دو مرحله تولید و بازتولید آن بوده که مبنایی برای مدل تحلیلی پژوهش مطابق نمودار شماره ۱ می‌باشد.

۳- معرفی محدوده‌های مطالعاتی

منطقه ۲ شهر تهران از شمال به دامنه رشته کوه‌های البرز (حدفاصل رودخانه درکه تا محله فرحزاد)، از جنوب به خیابان آزادی (حدفاصل میدان آزادی تا میدان توحید)، از شرق به بزرگراه چمران و از غرب به خیابان اشرفی اصفهانی و بزرگراه محمدعلی جناح محدود می‌شود. وسعت این منطقه برابر ۴۷۶۳ کیلومتر مربع (مهندسین مشاور سرآوند، ۱۳۸۵) بوده که از این جنبه پس از مناطق ۴، ۲۲، ۲۱ و ۵ رتبه پنجم را بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در اختیار دارد. جمعیت این منطقه طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ برابر ۶۰۸۸۱۴ نفر بوده که برای سال ۱۳۹۵ برابر ۶۴۰۳۶۱ نفر برآورد گردیده است. از این نظر مطابق سرشماری سال ۱۳۸۵ پس از مناطق ۴، ۵ و ۱۵ تهران رتبه چهارم و مطابق برآورد سال ۱۳۹۵ پس از مناطق ۴ و ۵ رتبه سوم را در اختیار دارد. تعداد نواحی این منطقه برابر ۹ ناحیه بوده و محلات ۲۷ گانه آن تراکم جمعیت ۹۳ نفر در هکتار را در بر می‌گیرند. محله سعادت آباد به همراه محله دریا ناحیه ۱ شهرداری منطقه ۲ شهر تهران را تشکیل می‌دهد. این محله از شرق به بزرگراه چمران، از جنوب به شهرک غرب، از شمال به کوی فراز، از شمال شرق به اوین، از شمال غرب به فرحزاد راه دارد. محله مرزداران به همراه محله ستارخان ناحیه ۴ شهرداری منطقه ۲ شهر تهران را تشکیل می‌دهند (سایت شهرداری منطقه ۲ تهران، ۱۳۹۵). این محله مطابق تقسیم‌بندی نواحی و محلات سایت شهرداری منطقه ۲ از شمال محدود

جدول ۳. آمار توصیفی مرتبط با متغیرهای پژوهش

متغیر	کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	میانگین	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
معنای فضای شهری	-۰,۴۶۵	۰,۲۷۴	۰,۵۳۰۳۱	۲,۳۶۴۴	۱,۳۳	۳,۷۹
عملکرد فضای شهری	-۰,۷۲۸	۰,۰۵۷	۰,۳۳۶۵۴	۲,۳۴۱۴	۱,۴۷	۳,۰۱
شکل فضای شهری	۰,۱۱۶	۰,۵۴۱	۰,۴۲۲۹۷	۲,۳۷۴۶	۱,۵۰	۳,۶۰
الگوهای رفتاری	-۰,۴۶۴	۰,۳۵۳	۰,۳۸۳۹۰	۲,۳۲۵۱	۱,۵۲	۳,۲۸
فضای جنسیتی	-۰,۱۱۱	۰,۲۲۶	۰,۳۲۷۲۵	۲,۴۱۸۷	۱,۵۳	۳,۲۹

در اختیار افرادی قرار داشته که بین یک تا ۵ سال از مدت سکونت شان در محله می گذرد. شاخص های توصیف داده ها به دو گروه شاخص های مرکزی و شاخص های پراکندگی توزیع تقسیم می شوند. مهمترین عنصر در مجموعه شاخص های مرکزی، میانگین و در ارتباط با شاخص های پراکندگی، واریانس و انحراف معیار هستند. بدین ترتیب آمار توصیفی مشتمل بر دو گروه یاد شده در ارتباط با متغیرهای پژوهش به ترتیب جدول شماره ۳ مطرح می گردند.

۴-۲- آمار استنباطی

در روش کمترین مربعات جزئی (PLS) دو مدل «بیرونی» و «درونی» آزمون می شود: مدل بیرونی هم ارز مدل اندازه گیری و مدل درونی مشابه تحلیل مسیر در مدل های معادلات ساختاری است. مدل درونی نشانگر بارهای عاملی متغیرهای مشاهده شده است. پس از آزمون مدل بیرونی لازم است مدل درونی که نشانگر ارتباط بین متغیرهای پنهان پژوهش است، ارائه گردد. با استفاده از مدل درونی می توان به بررسی فرضیه های پژوهش پرداخت. مرحله دوم در برآورد مدل، آزمون معنی داری ضرایب مسیر فرض شده در مدل پژوهش و واریانس تشریح

به بزرگراه همت، از شرق محدود به بزرگراه شیخ فضل اله نوری، از جنوب محدود به بزرگراه جلال آل احمد و از غرب محدود به بزرگراه یادگار امام می باشد.

۴- یافته ها

۴-۱- آمار توصیفی

از مجموع ۷۶۰ نفر پاسخگو بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۶-۳۵ سال با ۲۶۵ نفر و معادل حدود ۳۰ درصد و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۵۶ سال و بالاتر با جمعیت ۷۹ نفر و معادل حدود ۱۰ درصد از کل بوده است. بیشترین فراوانی جنسی در اختیار زنان با ۳۹۳ نفر در مقایسه با جمعیت ۳۶۷ نفری مردان بوده که تفاوت حدودا ۳ درصدی را نشان می دهد. در ارتباط با میزان تحصیلات بیشترین فراوانی مربوط به سطح کارشناسی با ۲۵۳ نفر و معادل حدود ۳۳ درصد و کمترین فراوانی مربوط به سطح دکتر و بالاتر با جمعیت ۱۱۷ نفر و معادل حدود ۱۵ درصد از کل بوده است. بیشترین پاسخ دهندگان به پرسشنامه از نظر تاهل، در زمره افراد متاهل قرار داشته و بیش از ۵۰ درصد جمعیت را به خود اختصاص داده اند. همچنین بیشترین فراوانی در ارتباط با مدت سکونت



جدول ۴. نتایج آزمون روایی همگرایی مدل اندازه گیری به تفکیک متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین واریانس (AVE)
معنای فضای شهری	۰,۵۳۴۲
عملکرد فضای شهری	۰,۵۶۵۱
شکل فضای شهری	۰,۶۹۲۱
الگوهای رفتاری	۰,۵۷۰۲
فضای جنسیتی	۰,۶۳۵۶

جدول ۵. نتایج آزمون پایایی مدل اندازه گیری به تفکیک متغیرهای پژوهش

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)
معنای فضای شهری	۰,۹۲۷	۰,۹۵۳
عملکرد فضای شهری	۰,۷۸۳	۰,۷۰۷
شکل فضای شهری	۰,۹۰۶	۰,۹۲۴
الگوهای رفتاری	۰,۸۴۱	۰,۸۷۷
فضای جنسیتی	۰,۷۸۹	۰,۸۴۵

ویژگی ها و مهارت های ویژه ای باشد که محقق قصد اندازه گیری آنها را داشته باشد، آزمون دارای اعتبار محتوا است. برای اطمینان از اعتبار محتوا، باید در موقع ساختن ابزار چنان عمل کرد که سوال های تشکیل دهنده ابزار اندازه گیری معرف قسمت های محتوای انتخاب شده باشد. بنابراین اعتبار محتوا، ویژگی ساختاری ابزار اندازه گیری است که همزمان با تدوین آزمون در آن تنیده می شود. اعتبار محتوای یک آزمون معمولا توسط افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می شود. بنابراین روایی محتوایی این پرسشنامه توسط اساتید فن و صاحب نظران در مورد موضوع تحقیق تأیید شده و از اعتبار و روایی لازم برخوردار می باشد. همچنین با تأکید بر شیوه های آماری از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) جهت ارزیابی روایی همگرا استفاده شده است. در این شیوه روایی، میانگین واریانس حداقل ۰/۵ شرط

شده با ضریب تبیینی است که به وسیله هر مسیر برآورد می گردد.

الف) آزمون مدل اندازه گیری

آزمون مدل اندازه گیری در روش PLS مقدم بر ارزیابی مدل ساختاری می باشد. در این مرحله مدل بر مبنای پایایی و روایی مورد بررسی قرار می گیرد. مفهوم روایی مدل به این پرسش پاسخ می دهد که ابزار اندازه گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می سنجد. بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه گیری نمی توان به دقت داده های حاصل از آن اطمینان داشت. برای تعیین اعتبار پرسشنامه روش های متعددی وجود دارد که یکی از این روش ها، روش اعتبار محتوا یا می باشد. اعتبار محتوا نوعی اعتبار است که برای بررسی اجزای تشکیل دهنده یک ابزار اندازه گیری به کار برده می شود. اعتبار محتوای یک ابزار اندازه گیری به گویه های تشکیل دهنده آن بستگی دارد. اگر گویه های پرسشنامه معرف

جدول ۶: تحلیل عاملی تاییدی مرتبط با گویه های پرسشنامه

متغیر	شاخص	گویه	بار عاملی	قدرت	متغیر	شاخص	گویه	بار عاملی	قدرت	
معنای فضای شهری	عناصر کالبدی	Q25	۰,۶۵۳	بالا	الگوهای رفتاری	احساسات	Q4	۰,۵۰۸	متوسط	
		Q28	۰,۵۴۳	متوسط			مذهب	Q3	۰,۵۸۸	متوسط
		Q35	۰,۷۶۱	بالا				Q34	۰,۸۷۰	بالا
	عناصر اجتماعی	رویدادهای رسمی	Q15	۰,۴۵۲		متوسط	فرهنگ	Q11	۰,۷۶۱	بالا
			Q2	۰,۶۵۹		بالا		سیاست‌های کلان	Q38	۰,۵۷۵
		Q19	۰,۷۰۹	بالا		Q40	۰,۸۹۴		بالا	
		Q24	۰,۶۱۲	بالا		Q45	۰,۸۵۴		بالا	
عملکرد فضای شهری	رضایتمندی از حضور	Q10	۰,۸۳۰	بالا	برنامه‌ریزی	Q41	۰,۸۳۶	بالا		
		Q22	۰,۷۴۳	بالا		Q46	۰,۴۴۲	متوسط		
		Q14	۰,۶۲۹	بالا	طراحی	Q30	۰,۴۷۱	متوسط		
	فعالیت	Q5	۰,۵۷۳	متوسط		Q33	۰,۵۹۸	متوسط		
		Q9	۰,۷۴۳	بالا		نمادها	Q31	۰,۸۰۵	بالا	
		Q23	۰,۶۴۳	بالا	Q36		۰,۸۳۱	بالا		
	Q20	۰,۵۶۶	متوسط	Q42	۰,۸۱۱		بالا			
	Q17	۰,۷۲۱	بالا	Q43	۰,۷۲۴		بالا			
	شکل فضای شهری	کیفیت بصری	Q1	۰,۶۴۳	بالا	واقعیات	Q47	۰,۷۰۸	بالا	
			Q6	۰,۷۰۸	بالا		Q44	۰,۵۱۴	متوسط	
کیفیت استفاده		Q16	۰,۴۶۲	متوسط	واقعیات		Q49	۰,۷۱۳	بالا	
		Q21	۰,۶۳۳	بالا		واقعیات	Q37	۰,۶۹۳	بالا	
		Q27	۰,۸۸۰	بالا			Q39	۰,۶۳۴	بالا	
پوشش گیاهی		مبلمان	Q12	۰,۸۴۶		بالا	واقعیات	Q44	۰,۵۱۴	متوسط
			Q1	۰,۶۴۳	بالا	واقعیات		Q47	۰,۷۰۸	بالا
	ویژگی‌های طراحانه	Q26	۰,۳۹۴	متوسط	واقعیات		Q49	۰,۷۱۳	بالا	
		Q18	۰,۷۱۸	بالا		واقعیات	Q47	۰,۷۰۸	بالا	
لبه	Q29	۰,۶۲۲	بالا	واقعیات	Q49		۰,۷۱۳	بالا		
	کف	Q32	۰,۷۵۱		بالا					

است. درحالی که فرض آلفای کرونباخ مبتنی بر این است که همه‌ی شاخص‌ها به‌صورت برابر پایا هستند، در مدل‌های PLS پایایی هر شاخص به طور جداگانه ارزیابی شده و در نتیجه می‌توان به ترکیب پایاتری رسید. با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ برآورد سخت‌گیرانه‌تری از پایایی درونی متغیرهای پنهان ارائه می‌دهد، در مدل‌های مسیر PLS معیار دیگری به نام پایایی ترکیبی یا

لازم برای اعتبار و روایی یک سازه است (Choua & Chen, ۲۰۰۹). در جدول شماره ۴ نتایج روایی همگرایی مدل اندازه‌گیری آورده شده که با توجه به بیشتر بودن AVE از ۰/۵ روایی آن را مورد تایید قرار می‌گیرد. برای تحلیل پایایی پرسشنامه از روش همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی (CR) و تحلیل عاملی تاییدی (بار عاملی) استفاده شده

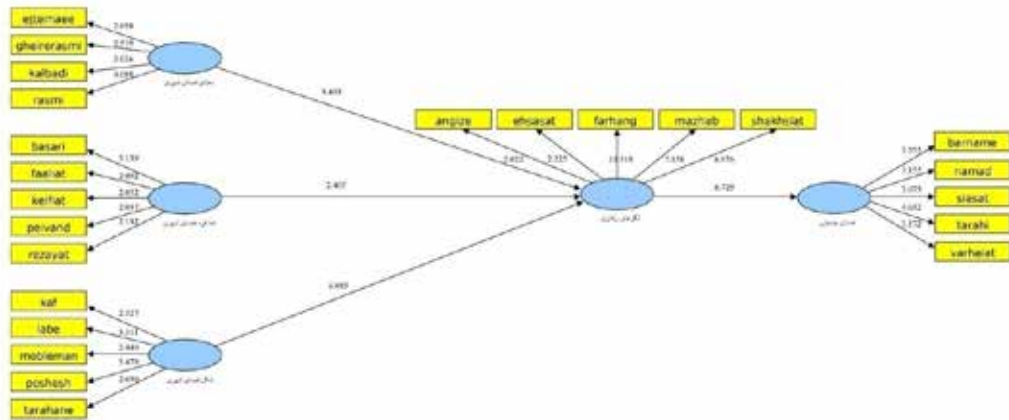


جدول ۷. متغیرهای مکنون و مشهود در مدل معادلات ساختاری (SEM)

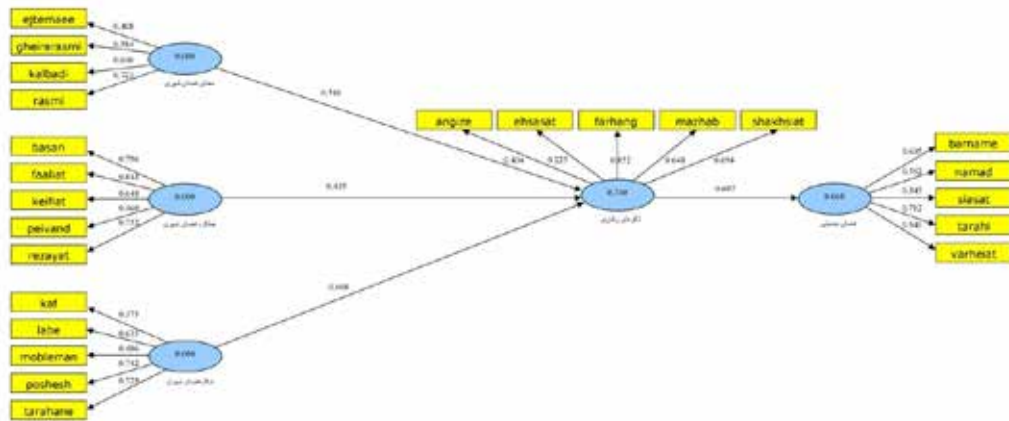
متغیر مکنون (مستقل - وابسته)	t-value	شاخص	t-value	معناداری
الگوهای رفتاری	۸,۷۲۵	شخصیت	۴,۳۷۶	تایید
		انگیزه	۳,۴۰۳	تایید
		احساسات	۲,۲۲۵	تایید
		مذهب	۵,۱۳۸	تایید
		فرهنگ	۱۰,۵۱۸	تایید
شکل	۶,۰۸۵	پوشش گیاهی	۵,۴۷۹	تایید
		مبلمان	۲,۴۴۰	تایید
		ویژگی‌های طراحانه	۲,۶۹۰	تایید
		لبه	۳,۳۱۱	تایید
		کف	۲,۳۲۷	تایید
معنا	۳,۴۰۳	عناصر کالبدی	۳,۰۳۶	تایید
		رویدادهای رسمی	۴,۰۸۸	تایید
		رویدادهای غیررسمی	۲,۵۱۹	تایید
		عناصر اجتماعی	۲,۶۹۸	تایید
عملکرد	۲,۴۰۵	رضایتمندی از حضور	۲,۱۸۲	تایید
		پیوند با محیط	۲,۰۳۷	تایید
		فعالیت	۲,۰۹۲	تایید
		کیفیت بصری	۵,۱۳۹	تایید
		کیفیت استفاده	۲,۰۵۲	تایید
فضای جنسیتی	-	سیاست‌های کلان	۳,۰۷۳	تایید
		برنامه‌ریزی	۳,۵۵۵	تایید
		طراحی	۴,۶۳۲	تایید
		نمادها	۳,۱۵۵	تایید
		واقعیات	۳,۱۷۲	تایید

معیار Q دیلون - گلداشتاین استفاده می‌گردد. این معیار بارهای متفاوت شاخص‌ها را در نظر می‌گیرد. در هر صورت وقتی مقدار Q دیلون - گلداشتاین بیشتر از 0.7 باشد (Fornell and Larcker, 1981). نشان‌دهنده آن است که آن بلوک تک‌بعدی است و این شاخص در مقایسه با آلفای کرونباخ معرف بهتری برای پایایی هر شاخص و تک‌بعدی بودن یک بلوک محسوب می‌گردد. نتایج مرتبط با پایایی مدل اندازه‌گیری به ترتیب در جدول شماره ۵ آمده است.

با توجه به آنکه ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی در رابطه با پرسشنامه پژوهش مطابق با نتایج جدول شماره ۵ به تفکیک هریک از متغیرهای پنج‌گانه پژوهش بیشتر از 0.7 می‌باشد، پایایی پرسشنامه با تاکید بر روش‌های ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد تأیید است. بارهای عاملی مرتبط با گویه‌های پرسشنامه به عنوان متغیرهای مشهود و سنجشگر متغیرهای مکنون در جدول شماره ۶ جهت انجام تحلیل عاملی تاییدی آورده شده است. قدرت رابطه بین عامل (متغیر



نمودار ۲. سطوح معناداری در مدل معادلات ساختاری (SEM)



نمودار ۳. ضرایب مسیر و بارهای عاملی در مدل معادلات ساختاری (SEM)

۹۵ درصد مقادیر t -value یا سطوح معناداری برای تمامی مسیرها از میزان استاندارد ۱/۹۶ بالاتر بوده و گواهِ وجود روابط معنادار میان ابعاد و متغیرهای پژوهش می‌باشد. این ضرایب در نمودار شماره ۲ به عنوان خروجی نرم افزار نیز مشخص شده‌اند. در نمودار شماره ۳ بارهای عاملی و ضرایب مسیر که بیانگر شدت رابطه هستند، نشان داده شده‌اند. ضرایب مسیر در حقیقت ضرایب بتا (β) حاصل از معادله رگرسیون میان متغیرها هستند. اعداد داخل دایره نیز بیانگر واریانس تبیین شده (R^2) در تحلیل عاملی اکتشافی بوده که نشان می‌دهند چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل

مکنون) و متغیر مشهود به‌وسیله بار عاملی نشان داده شده که مقداری بین صفر و یک است. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد، رابطه ضعیف بوده و از آن صرف‌نظر می‌شود. بار عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ قابل قبول و مقدار بزرگ‌تر از ۰/۶ بسیار مطلوب خواهد بود.

ب) آزمون مدل ساختاری

بر پایه مدل ساختاری معرفی شده، روابط معناداری میان متغیرهای مشهود و مکنون به کمک روش کمترین مربعات جزئی (PLS) به وسیله نرم افزار Smart PLS نسخه ۳,۲,۴ آزمون گردید. چنان که در جدول شماره ۷ مشخص است، در سطح اطمینان

تبیین می‌شود. چنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، قدرت رابطه بین عامل (متغیر مکنون) و متغیر مشهود به وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. بار عاملی مقداری بین صفر و یک است. اگر بار عاملی کمتر از $0/3$ باشد، رابطه ضعیف بوده و از آن صرف‌نظر می‌شود. بار عاملی بین $0/3$ تا $0/6$ قابل قبول و بیش از آن بسیار مطلوب خواهد بود.

بر مبنای نمودار ۴ خروجی از نرم‌افزار Smart PLS می‌توان بارهای عاملی مربوط به شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش را به ترتیب جدول شماره ۸ تبیین نمود. همچنین مقدار واریانس تبیین شده (R²) در ارتباط با متغیرهای وابسته و مستقل در جدول یاد شده مشخص شده است.

از میان بارهای عاملی تنها ارتباط شاخص احساسات با الگوهای رفتاری در ارزیابی همزمان تاثیرات میان معنا، عملکرد و شکل فضای شهری بر شکل‌گیری الگوهای رفتاری موثر بر جنسیتی کردن فضا کمتر از $0/3$ بوده که بیانگر رابطه ضعیف و در نتیجه قابل اغماض بین شاخص و متغیر یاد شده می‌باشد. در ارتباط با آزمون فرضیه‌ها در PLS باید توجه داشت که در مدل‌های مسیری آزمون معناداری مسیرها از طریق روش خودگردان‌سازی یا بوت‌استرپ که نوعی روش باز نمونه‌گیری است، صورت می‌گیرد. بوت‌استرپینگ در واقع تخمین ویژگی‌های (مثل واریانس) یک تخمین‌زننده با استفاده از اندازه‌گیری همین ویژگی‌ها در یک توزیع تقریبی از کل داده‌های نمونه است. یک انتخاب استاندارد برای توزیع تقریبی، توزیع تجربی داده‌های مشاهده شده است. در حالی که بتوان فرض کرد مجموعه‌ای از مشاهده‌ها از جمعیتی مستقل و به طور مساوی توزیع شده است، بوت‌استرپینگ می‌تواند با ساخت تعدادی باز نمونه پیاده‌سازی شود که هر کدام از این باز نمونه‌ها در واقع نمونه‌هایی تصادفی با جایگذاری از مجموعه داده‌های اصلی هستند. در خروجی‌های مربوطه، ضریب مسیر به همراه نمره‌های استخراج‌شده آماره t-value وجود دارد. از آنجایی که سطح خطای تعریف‌شده در

تحقیقات $0,05$ است، نمرات مقدار t-value بالاتر از $1/96$ نشان‌دهنده پذیرش فرضیه است. در نهایت بررسی صحت و دقت فرضیه‌ها با توجه به ساختار پیشنهادی نیازمند تمرکز بر سطوح معناداری در نمودار شماره ۲ و ضرایب مسیر در نمودار شماره ۳ بوده که نتایج آن در جدول شماره ۹ آورده شده است.

بدین ترتیب با توجه به آنکه سطوح معناداری تمامی متغیرها بالاتر از $1/96$ می‌باشد، می‌توان تمامی فرضیه‌ها را در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید شده دانست. در این میان با تاکید بر ضرایب مسیر که تمامی آنها بالاتر از $0/3$ به دست آمده اند نیز قابل توجیه است. جدول شماره ۱۰ نمایشگر نتایج و تحلیل‌های نهایی از فرآیند آزمون فرضیه‌ها به کمک مدل معادلات ساختاری (SEM) و روش کمترین مربعات (PLS) می‌باشد.

ج) آزمون نکویی برازش

به طور کلی در مدل معادلات ساختاری (SEM) از جمله روش کمترین مربعات جزئی (PLS) پس از آزمون فرضیه بهتر است تا کیفیت مدل درونی یا ساختاری ارزیابی شود. کیفیت مدل ساختاری به معنای آن است که آیا متغیرهای مستقل (برون‌زا) توانایی پیش‌بینی متغیرهای وابسته (درون‌زا) را دارند یا خیر؟ در این ارتباط از شاخص «اعتبار افزونگی» یا ضریب استون-گیسر، شاخص اعتبار اشتراک، واریانس تبیین شده (R²) و شاخص GOF به عنوان آزمون‌های نکویی برازش و قدرت مدل ساختاری استفاده می‌شود.

معادلات ساختاری مبتنی بر PLS مدل‌های بیرونی (هم‌ارز مدل اندازه‌گیری) و مدل درونی (معادل مدل ساختاری) را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مدل بیرونی (اندازه‌گیری) مدلی است که رابطه میان متغیرهای مکنون با متغیرهای مشهود را مشخص می‌کند. شاخص اعتبار اشتراک برای برازندگی این مدل استفاده می‌شود (به نقل از رستمی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۵۰). در مقابل کیفیت برازش

مدل درونی (ساختاری) به عنوان مدلی که رابطه میان متغیرهای مکنون را تبیین می نماید، به کمک شاخص اعتبار افزونگی مورد سنجش قرار می گیرد. بر اساس ملاک استون-گیسر، مدل باید نشانگرهای متغیرهای مکنون درون‌زا را پیش‌بینی کند. در این روش بخشی از داده‌های بلوک خاصی از نشانگرها در طول برآوردهای پارامتر حذف شده و سپس تلاش می‌شود تا با استفاده از پارامترهای برآورد شده، بخش حذف شده برآورد شود. این روش تکرار می‌شود تا تمام نقاط داده‌ها حذف و برآورد شوند. مثبت بودن ضریب استون-گیسر بیانگر آن است که مقادیر مشاهده شده خوب بازسازی شده‌اند و می‌توان نتیجه گرفت که مدل ساختاری از کیفیت مناسب برخوردار است. این شرط در مورد آزمون اعتبار اشتراک نیز مصداق دارد. مقدار R^2 نشان دهنده توانایی مدل در توصیف سازه بوده و درصد پوشش متغیر مکنون (وابسته) را در نتیجه تاثیرگذاری متغیر مشهود (مستقل) نشان می‌دهد. در نهایت از شاخص GOF جهت ارزیابی قدرت کل مدل استفاده می‌شود. این شاخص در مدل PLS عددی بین صفر تا یک را به دست داده که مقادیر نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند. نتایج مربوط به آزمون‌های نکویی برآزش در جدول شماره ۱۱ آورده شده است.

با توجه به مثبت بودن مقادیر مربوط به شاخص‌های اشتراک و افزونگی نتیجه‌گیری می‌شود که برآزش مدل واجد کیفیت مناسب بوده است. بر مبنای واریانس تبیین شده مشاهده می‌شود که میزان تحقق متغیر الگوهای رفتاری در نتیجه کارکرد همزمان سه متغیر معنا، عملکرد و شکل فضای شهری برابر ۷۴ درصد و میزان تحقق فضای جنسیتی در نتیجه تاثیر متغیر یاد شده حدود ۶۷ درصد می‌باشد. در نهایت میزان به دست آمده برای شاخص GOF برابر ۰/۸۱۴ و نزدیکی آن به یک موید مطلوبیت مدل ساختاری پژوهش می‌باشد.

۵- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

چارچوب تحلیل جنسیتی به عنوان یکی از ابزارهای موثر برای درک نقش زنان و مردان در جامعه و عوامل خارجی که ممکن است برنامه‌ریزی را تحت تاثیر قرار دهند، مورد استفاده قرار گرفته و اساس آن مبتنی بر روابط انسانی است. روابطی که از یک سو وابسته به ویژگی‌های ظرف یا محیط (مکان یا فضای شهری) خود و از سوی دیگر، کنش گروه‌های مظلوف (الگوهای رفتاری شهروندان) در آن می‌باشد. ویژگی‌های مکان یا فضای شهری خود از تعریف مفهوم مکان مشتق گردیده که به صورت خلاصه مشتمل بر سه بعد کالبد، معنا و روابط انسانی (Canter, ۱۹۷۷) در بستری از روابط میان فرد، دیگران و محیط (Gustafson, ۲۰۱۰: ۱-۱۰) می‌باشد. کالبد فضای شهری را می‌توان متناظر با شکل آن دانست. در شهرسازی شکل، نمود یا صورت قابل رویت محتوا (Arnheim, ۱۹۶۸)، مظاهر کالبدی و رویت پذیر (لینچ، ۱۳۹۱) و یا قسمتی از جهان که تحت کنترل است (Alexander, ۱۹۶۴) به نقل از حبیب، ۱۳۹۰، ص ۲۲) دانسته می‌شود. از سوی دیگر و به تعبیر کان، شکل به وجود آورنده عملکرد بوده (Venturi, ۱۹۶۶) و در نتیجه صرفاً در رابطه با کالبد لحاظ نشده بلکه رابطه آن با ادراک و فعالیت‌های جامعه (Whitehand, ۱۹۹۲) نیز در نظر گرفته می‌شود. از میان ابعاد سه گانه مکان، مولفه معنایی در مقایسه با دو مولفه دیگر، از پیچیدگی بیشتر برخوردار بوده و به جهت تاثیرپذیری از عوامل ذهنی و ضمنی تبیین آن دشوارتر صورت می‌پذیرد. سه مولفه شکل، عملکرد و معنا همواره رابطه‌ای دوسویه (دیالکتیک) با یکدیگر داشته و ممکن است بتوان مجموعه‌ای از گفتمان‌ها را میان آنها متصور شد که در قالب یک ساختار کلی قابل تعریف باشند. شکل و عملکرد با هم ترکیب می‌شوند تا به انسان‌ها فرصت انجام فعالیت‌ها و رفتارهای گوناگون را بدهند، شکل و معنی در تجربه‌ای بی‌واسطه و

جدول ۸. بارهای عاملی در مدل معادلات ساختاری (SEM)

متغیر مکنون (مستقل / وابسته)	R ²	شاخص	بار عاملی	امتیاز
الگوهای رفتاری	۰,۷۴۰	شخصیت	۰,۶۹۴	بسیار مطلوب
		انگیزه	۰,۴۰۴	قابل قبول
		احساسات	۰,۲۲۵	ضعیف
		مذهب	۰,۶۴۸	بسیار مطلوب
		فرهنگ	۰,۸۵۲	بسیار مطلوب
شکل	۰,۰۰۰	پوشش گیاهی	۰,۷۴۲	بسیار مطلوب
		مبلمان	۰,۴۰۶	قابل قبول
		ویژگی‌های طراحانه	۰,۵۲۹	قابل قبول
		لبه	۰,۶۳۵	بسیار مطلوب
		کف	۰,۳۷۵	قابل قبول
معنا	۰,۰۰۰	عناصر کالبدی	۰,۶۴۶	بسیار مطلوب
		رویدادهای رسمی	۰,۷۲۳	بسیار مطلوب
		رویدادهای غیررسمی	۰,۵۸۴	قابل قبول
		عناصر اجتماعی	۰,۴۰۸	قابل قبول
عملکرد	۰,۰۰۰	رضایتمندی از حضور	۰,۷۵۲	بسیار مطلوب
		پیوند با محیط	۰,۴۶۰	قابل قبول
		فعالیت	۰,۸۴۳	بسیار مطلوب
		کیفیت بصری	۰,۷۹۶	بسیار مطلوب
		کیفیت استفاده	۰,۶۴۸	بسیار مطلوب
فضای جنسیتی	۰,۶۶۸	سیاست‌های کلان	۰,۳۴۵	قابل قبول
		برنامه‌ریزی	۰,۶۰۵	بسیار مطلوب
		طراحی	۰,۷۱۲	بسیار مطلوب
		نمادها	۰,۵۶۲	قابل قبول
		واقعیات	۰,۳۴۰	قابل قبول

احساسی از فضاهای شهری و نیز عملکرد و معنا در امور اجتماعی مشترک ترکیب می‌شوند. بنابراین، سه مولفه یاد شده درعین غیر قابل تقلیل بودن به یکدیگر، به طور غیر قابل تفکیکی در ادراک و فهم انسان از مکان و فضاهای مختلف به هم پیوند خورده‌اند. بدین ترتیب، این مولفه‌ها در ترکیب با هم می‌توانند با تضمن فعالیت‌های انسانی، در شکل‌گیری و رخداد الگوهای رفتاری موثر بوده و از این طریق به تشویق یا تحدید رفتارهایی خاص در راستای جنسیتی شدن فضا بیانجامند. صرف نظر از پیچیدگی و ابهام در تعریف مفاهیم، نکته قابل توجه در این میان، آن است که اساساً روابط یاد شده در مطالعات شهری تا چه حد مورد توجه و ارزیابی قرار می‌گیرند، به بیان دیگر و با تاکید بر مقوله جنسیت،

جدول ۹. نتایج آزمون فرضیه ها بر مبنای ضرایب مسیر در روش PLS

ضریب مسیر	عدد معنی داری (t- value)	مسیر	
		به متغیر	از متغیر
۰,۵۱۶	۳,۴۰۳	الگوهای رفتاری	معنای فضای شهری
۰,۴۱۹	۲,۴۰۵	الگوهای رفتاری	عملکرد فضای شهری
۰,۶۶۸	۶,۰۸۵	الگوهای رفتاری	شکل فضای شهری
۰,۶۰۷	۸,۷۲۵	فضای جنسیتی	الگوهای رفتاری

جدول ۱۰. نتایج و تحلیل های نهایی آزمون فرضیه ها

فرضیه	نتیجه آزمون	سطح تایید
یک	تایید	قابل قبول
دو	تایید	قابل قبول
سه	تایید	بسیار مطلوب
چهار	تایید	بسیار مطلوب

بی نظمی، میل و خطر تعبیر شود (چنان که در بسیاری از فضاها و اماکن نظامی به زنان اجازه ورود داده نمی شود). بنابراین، مردان آگاهانه یا ناآگاهانه و با بروز برخی الگوهای رفتاری سعی در بازگرداندن وضعیت به شرایط عادی کرده و بدین ترتیب فضاهای جنسیتی شکل می گیرند، فضاهایی که در تضاد با شهر همه- شمول قرار دارند. چاره اندیشی برای این مساله تسلط بر حوزه هایی گسترده به ویژه جامعه شناسی، روان شناسی، مدیریت و نیز طراحی- برنامه ریزی شهری (شهرسازی) را طلب می کند که در این میان به نظر می رسد دانش میان رشته ای شهرسازی به عنوان تخصصی دانش مرتبط با شهر بتواند رویکردی جامع تر را در پیش گرفته و مطالعات در این زمینه را به نتایج مفیدتری منجر گرداند.

منابع و مآخذ

۱. آلتمن، ایروین (۱۳۹۰)، محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام، ترجمه علی نمازیان، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

کمیت و کیفیت توجه به نقش های متعارف جنسی و نیز رفتارهای رمزآلود جنسیتی در برنامه ریزی فضای اجتماعی شهر به چه ترتیب می باشد. نقش غالب مردان در تقریباً تمامی امور مدیریتی از دیرباز تاکنون، سبب شده که اصطلاح شهرسازی مردانه در تشریح وضعیت موجود شهرها ناشی از تمایل مردان به اعمال قدرت در جهت کنترل و هدایت زنان مطرح شود که خود به روشنی بیانگر مفهوم آن است. این اعمال قدرت در جهت کنترل زنان اشکال گوناگونی به خود گرفته که از سطوح ابتدایی خانوادگی آغاز شده و به برنامه ریزی های کلان سیاسی و اجتماعی منتهی می گردد که هر یک در جای خود بسیار قابل تعمق و مطالعه است. از دیدگاه شهرسازی نیز این موضوع می تواند سلسله مراتبی از سطح مدیریت کلان شهری تا سطح یک فضای شهری را در بر گرفته و در نتیجه، تمرکز بر نظام مدیریت شهری و یا سطح خردتر روابط اجتماعی میان شهروندان را به دنبال خواهد داشت. وجود زن در یک فضای شهری برای مردان می تواند به عنوان

۲. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۹)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران: انتشارات شهیدی.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه و بزرگ، حمیده (۱۳۹۱)، الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان، تهران: انتشارات آرمانشهر.
۴. تانکیس، فرن (۱۳۸۸)، فضا، شهر و نظریه اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. حبیب، فرح (۱۳۸۵)، کند و کاوی در معنای شکل شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، ۱۴-۵.
۶. --- (۱۳۸۷)، جزوه درس شکل‌شناسی شهری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۷. --- (۱۳۹۰)، نقش شکل شهر در کاهش خطرات ناشی از زلزله، تهران: مولف.
۸. رستمی، رضا، اکبری، پیمان، ویسمرادی، اکبر و محمدی نجف‌آبادی، عبدالمجید (۱۳۹۴)، تحلیل نقش واسطه‌ای رضایت شغلی و تعهد سازمانی در رابطه بین بازاریابی داخلی و مشتری‌گرایی کارکنان (مطالعه موردی شرکت‌های پخش دارویی و غذایی)، مدیریت بازاریابی، شماره ۲۶، ۵۸-۱۳۹.
۹. رضوان، شفیق (۱۳۷۵)، رفتار و مدیریت، تهران: انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۰. سایت شهرداری منطقه ۲ شهر تهران (۱۳۹۴/۱۰/۱۶) (tehran.ir.www.region2).
۱۱. ستارزاده، داریوش، نقی‌زاده، محمد و حبیب، فرح (۱۳۸۷)، فضای شهری، اندیشه‌ای اجتماعی، علوم و تکنولوژی محیط زیست، (۴) ۱۲، ۸۳-۱۷۳.
۱۲. عرش‌ها، مریم و مدیری، آتوسا (۱۳۹۰)، تاثیر فضاهای جنسیتی شده بر احساس امنیت زنان، نمونه‌های موردی میدان مادر و میدان راه آهن، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۴۲-۱۱۹.
۱۳. کارمونا، ماتئو، هیت، تیم، اک، تنر و تیسدل، استیون (۱۳۸۸)، مکان‌های عمومی، فضاهای شهری، ترجمه فریبا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
۱۴. گهل، یان (۱۳۹۲)، شهر انسانی، ترجمه علی غفاری و لیلا غفاری، تهران: موسسه علم معمار.
۱۵. لنگ، جان (۱۳۹۱)، آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. لینچ، کوین (۱۳۹۱)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. منصور، امیر (۱۳۸۷)، جزوه درس منظر شهری، دانشگاه تهران.
۱۸. مهندسین مشاور سراوند (۱۳۸۴)، طرح تفصیلی منطقه ۲ تهران، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران.
۱۹. یاراحمدی، سمانه (۱۳۸۹)، لبه‌های شهری: بررسی نقش لبه‌ها در تحقق اهداف منظر، ماهنامه منظر، شماره ۱۱، ۳۰-۸.
20. Altman, I. & Low, S. (1992), Place Attachment, New York- Plenum.
21. Agnew, J. A. (1987), Place and Politics- The Geographical Mediation of State and Society. Boston- Allen & Unwin.
22. Agnew, J. A. & Duncan, J. S. (1989), Introduction. In J. A. Agnew & J. S. Duncan, (Eds.), The Power of Place- Bringing Together Geographical and Sociological Imaginations. Boston- Unwin Hyman, pp.8-1.
23. Arnheim, R. (1968) Gestalt psychology and artistic form, in L. L. Whyte (Editor) Aspects of Form, Lund Humphries, London, pp. 196-208.
24. Bacon, E. (1974), Design of Cities, London: Thames & Hudson.
25. Bramely, Glen & Kirk, Karryn (2005), Does planning make a difference to urban form? Recent evi-

- dence from Central Scotland," *Journal of Environment and Planning*. Vol.37. pp 355-378.
26. Canter, D. (1977), *The Psychology of Place*, the Architectural Press, London.
27. Carmona, M., Hrath, T. Taner, O. & Steven, S. (2003), *Public Places Urban Spaces; The Dimensions of Urban Design*, Axford Press. Axford.
28. Choua, S. W. and Chen, P. Y. (2009). The Influence of Individual Differences on Continuance Intentions of Enterprise Resource Planning (ERP). *International Journal of Human Computer Studies*, 67 (6), pp. 484-496.
29. Clifton, K. et al (2008), Quantitative analysis of urban form: A multidisciplinary review, *Journal of Urbanism*. Vol.1, No.1, March 2008, pp 17-45.
30. Cooper-Marcus, C. & Sarkissian, W. (1986), *Housing As if People Mattered*, Berkeley: University of Californian press.
31. Cowan, Robert (2005), *The Dictionary of Urbanism*. Streetwise Press. London.
32. Fornell, C. and Larcker, D. (1981). Evaluating Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error. *Journal of Marketing Research*, 18 (1), pp. 39-50.
33. Gehl, I. (1987), *Life between buildings*, translated by J. Koch, New York.
34. Gehl, I., Kaefer, L.J. & Reigstad, S. (2006), Close encounters with buildings, *URBAN DESIGN International*, 11, 29-47.
35. Greaney, D. (2016), Visualising the design of conditions for urban social sustainability, *Ambiances* [Online], Experiential Simulation, Online since 10 September 2015, connection on 30 September 2016. URL : <http://ambiances.revues.org/618>.
36. Gieryn, Thomas F. (2000), A Space For Place in *Sociology*, *Annu. Rev. Sociol*, 96-26-463.
37. Gustafson, P. (2010), International Migration and National Belonging in the Swedish Debate on Dual Citizenship, *Acta Sociologica*, Vol. 48, No. 1 (Mar., 2005), pp. 5-19.
38. Jacobs, Jane (1960), *The Death and Life of the Great American Cities*, London, Jonathan Cape.
39. Lang, J. (1987), *Creating Architectural Theory*, van Nostrand Reinhold, New York.
40. Lokaitou-Sideris, A. and Banerjee, T; (2006), *Urban Design Downtown: Poetics and Politics of Form*; University of California Press.
41. Lynch, Kevin (1984), *City Design and City Appearance. Principles and Practice of Urban Planning*. ed. William I. Goodman and Eric C. Freund. Washington: International City Manager's Association.
42. Maller, Alexander (1998), *Emerging Urban Form Types in a City of American Middle West*, *Urban Design*, Vol.3, No. 2, 137 -49.
43. Manzo, Lynne C. (2005), For better or worse- Exploring multiple dimensions of place meaning, *Environmental Psychology* 25, p 86-67.
44. Perin, C. (1970), *With man in mind*, Cambridge, Mass.: MIT press.
45. Project of Public Space (PPS) (2001), *How To Turn a Place Around: A Handbook for Creating Successful Public Spaces*, Project For Public Spaces, Inc., New York.
46. Rapaport, A. (1990), *The meaning of the built environment- a nonverbal communication approach*, the University of Arizona Press, Tucson.
47. Relph, E. (1976/2008), *Place and placelessness* (2008 edition includes new introduction). London: Pion.
48. Rendell, J. (2006), *Introduction: Gender, Space*, in *Gender space architecture an interdisciplinary introduction*, London and New York: Routledge.

49. Salingaros, N. (1999), Urban space and its information field, *Journal of Urban Design*, Vol. (4), 29-49.

50. Sennett, R. (2006), *The Open City: Towards an Urban Age*, Seventh and final edition in the series of Urban Age newspapers [online]. Available online at: http://v0.urbanage.net/0_downloads/UA_Summit_Berlin_Newspaper.pdf (consulted on November 29, 2011).

51. Trieb, M. (1974), *Stadtgestaltung – Theorie und Praxis (Urban City Design - Theory and Praxis)*, Düsseldorf: Bertelsmann.

52. Van der Klis, M. & Karsten, L. (2009), Commuting partners, dual residences and the meaning of home. *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 29, Issue 2, p.p. 235-45.

53. Venturi, R. (1966), *Complexity and Contradiction in Architecture*, New York: The Museum of Modern Art.

54. Whitehand, J.W.R. (1992), *The making of the urban landscape*, Oxford: Blackwell.

55. Whyte, W.H. (1980), *The Social Life of Small Urban Spaces*, Washington DC: Conservation Foundation.